

## امام خمینی و بازگشت به قرآن

دکتر نادعلی عاشوری

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

### چکیده

امام خمینی (ره) قرآن کریم را پس از آنکه مهجور و متروک شده بود، با قیام و رهبری خود به صحنه آورد. از مهمترین علل مهجوریت قرآن بی توجهی مسلمانان بویژه علمای اسلامی به معارف و احکام قرآن در مدارس مذهبی و مجامع عمومی و نیز تبلیغات سوء دشمنان مبنی بر کهنه و افیون بودن تعلیمات قرآن بوده است. حضرت امام (ره) بازگشت به قرآن را وسیله سعادت آدمی و نفی سلطه بیگانه می دانستند و بر آن تأکید می ورزیدند. کلیه واژه‌ها: مهجوریت قرآن، بازگشت به قرآن، تبلیغات سوء، سلطه بیگانه.

### ۱. مقدمه

بی تردید یکی از بارزترین ویژگی نهضت‌های اصلاحی سده‌های اخیر در ممالک اسلامی، خصیصهٔ "بازگشت به قرآن" است که به وسیلهٔ رهبران مسلمان این جنبش‌ها اظهار شده است.

از سلسله جنبان این نهضت‌ها یعنی سید جمال الدین اسدآبادی (۱۳۱۴ -

۱۲۵۴ق) گرفته تا بزرگ‌ترین مصلح جهان اسلام در قرن حاضر، یعنی حضرت امام

خمینی (۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ ش) که نهضت اصلاحی خویش را به انقلابی مردمی بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی تبدیل نمود، جملگی شعار "بازگشت به قرآن" را سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دادند و جوامع اسلامی را به اتحاد حول محور قرآن و اسلام فراخواندند.

نتیجه این دعوت و اهتمام آن شد که قرآن تا حدودی از زاویه نسیان و فراموشی به درآید و در دو صحنه علم و عمل، چراغ پر فروغ و مشعل روشنگر راه باشد که نگارش ده‌ها تفسیر تمام و نیمه تمام بر قرآن و برپائی صدها و بلکه هزارها جلسات تفسیر قرآن در محافل و مجامع اسلامی نشان دهنده حضور علمی قرآن در میان ملت‌های مسلمان در قرن حاضر است. همان گونه که برپائی ده‌ها نهضت اصلاحی و جنبش آزادی بخش در کشورهای مسلمان، که همگی بازگشت به قرآن را اساس کار خویش قرار داده بودند، بهترین گواه حضور عملی قرآن، و خاصیت انقلابی و رهائی بخش آن در صحنه زندگی مسلمانان و حیات مجدد آنان است.

یکی از محققان در این باره می‌نویسد: "تفسیر نگاری در قرن چهاردهم از هر قرن دیگری در تاریخ اسلام، متفاوت و ممتاز است. این امتیاز صرفاً به فراوانی انبوه تفاسیر هر مشرب و مکتبی ارتباط ندارد؛ بلکه به تحول دیدگاه تفسیرنویسی نیز مربوط است. در این قرن سمت و سوی تفسیرنویسی از دیدگاه فردی و اخروی به دیدگاه عرفی و اجتماعی تحول یافته است.

چنین به نظر می‌رسد که بازگشت به قرآن و نهضت عظیم تفسیرنویسی در قرن چهاردهم، بارزترین مختصه و مشخصه انقلاب اصلاحی فراگیر یا رنسانس اسلامی است. آهنگ همواره شنیدنی در این نهضت سراسری اصلاح در عالم اسلامی، نوای دل‌انگیز قرآن، این قلب تپنده زندگی بخش اسلام و ایران است.

باری، در یک کلام، هیچ مشخصه‌ای از بازگشت به قرآن و کشف مجدد قرآن و ارزش اصلاحگر و انقلاب‌انگیز آن، در رنسانس اسلامی بارزتر نیست» [۱].

پنهان نیست که قرآن در هیچ دوره‌ای به طور کلی در زاویه فراموشی و نسیان نبود؛ بلکه مراد از این فراموشی، عملی نشدن احکام اجتماعی و حکومتی قرآن است

که قرن‌ها تحت الشعاع احکام فرعی و فقهی قرار داشت. چنانکه امام خمینی از این غفلت جوامع اسلامی بارها با اندوه و تأثر سخن گفت و از جمله در وصیت نامه سیاسی - الهی خود فرمود: "هر چه این بنیان کج به جلو آمد، کجی‌ها و انحراف‌ها افزون شد، تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان [است]... چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان، وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل قرآن، این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آن که باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد [۲]."

ناگفته پیداست که تکیه بر شعار "بازگشت به قرآن" هرگز به معنای حذف سنت و بسنده کردن به کتاب خدا نبوده و نیست. این شیوه مذمومی است که یکبار در تاریخ اسلام تجربه شد و در قالب شعار "حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ" جلوه کرد و نتایج سوء و ثمرات زیان بخش این تجربه نامیمون، هنوز هم به مانند شرننگی، کام جوامع اسلامی را شدیداً تلخ ساخته است.

شهید مطهری که از عالمان بیدار دل و درد آشنای جامعه ما است، آنجا که درباره اهداف اصلاح طلبانه سید جمال سخن می‌گوید، در این باره می‌نویسد: "بازگشت به اسلام نخستین دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی است که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است. بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین از نظر سید به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. سید در بازگشت به اسلام تنها بازگشت به قرآن را مطرح نکرده است؛ زیرا او به خوبی می‌دانست که خود قرآن رجوع به سنت را لازم شمرده است؛ به علاوه، او به خطرات «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» که در هر عصر و زمانی، به شکلی، بهانه برای مسخ اسلام شده است، کاملاً پی برده بود [۳]."

شک نیست که پرداختن به بحث و بررسی پیرامون نهضت "بازگشت به قرآن" در قرون اخیر، نه تنها در حوصلهٔ یک یا دو مقال نمی‌گنجد؛ بلکه نیازمند تألیف‌های مستقل و جداگانه‌ای در این زمینه است تا به همهٔ زوایای آشکار و نهان این بحث، آن گونه که شایسته است رسیدگی شود. آنچه در این مجال مطرح خواهد شد، صرفاً طرح موضوع مذکور از دیدگاه امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) است تا بلکه اندیشمندان با کفایت و صاحب نظران با صلاحیت، در فرصت‌های مناسب به بررسی همه جانبهٔ آن اقدام نمایند. امید آن که در همین اندازه هم توفیق، رفیق راه باشد و بتوانیم گوشه‌ای از مسائل فراوان این بحث را طرح کنیم.

## ۲. علل مهجوریت قرآن

با مطالعه و دقت در آثار مکتوب و اظهارات شفاهی حضرت امام چنین بدست می‌آید که دو عامل سبب مهجوریت قرآن در میان مسلمانان شده است: یکی بی‌توجهی خود مسلمانان به قرآن و مشغولیت به غیر قرآن و دیگری تلاشهای تبلیغی دشمنان.

### ۲.۱. بی‌توجهی مسلمانان به قرآن

امام خمینی (ره) ریشه‌ای‌ترین مشکل و بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی را دوری مردم از قرآن و در نتیجه مهجور ماندن این آخرین صحیفهٔ آسمانی می‌دانست و بر این واقعیت تلخ همواره تأکید می‌کرد که "مشکلات مسلمین زیاد است، لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته‌اند و تحت لوای دیگران در آمده‌اند" [۴].

به اعتقاد ایشان "دوری دولت اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را به این وضع سیاه و نکبت بار مواجه ساخته و سرنوشت ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکارانهٔ استعمار چپ و راست قرار داده است" [۵].

مسأله مهجوریت قرآن و دور شدن جوامع اسلامی از قرآن، از جمله نگرانی‌های بسیار جدی حضرت امام و دغدغه خاطر مستمر ایشان است که از همان آغازین

روزهای نهضت در سال ۴۲ تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی تا واپسین روزهای حیات هم، بارها و بارها بدان اهتمام ورزیده و لزوم توجه به قرآن را تأکید فرمودند. مثلاً در یک سخنرانی در سال ۴۳ در مورد نقشه‌های استعمار بیان داشتند که سلطه مستکبرین بر دولتهای اسلامی در اثر دست برداشتن از قرآن کریم و اتکا نداشتن بر قواعد اسلام بوده است [۶] و در مقدمه مفصل وصیت نامه سیاسی - الهی خود که در واقع آخرین دیدگاه‌های ایشان درباره مسائل مختلف است، نوشتند: "شاید جمله «لن یفترا حتی یردا علی الحوض» اشاره باشد، بر این که بعد از وجود مقدس رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک، مهجوریت دیگری است، تا آن‌گاه که این دو مهجور بر رسول خدا در «حوض» وارد شوند... اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این و دیعه الهی و ما ترک پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم). مسائل آسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی علیه السلام شروع شد، خود خواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی... و با قرآن در حقیقت قرآن را، که برای بشریت تا ورود به حوض، بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست، از صحنه خارج کردند" [۷].

همچنین در جای دیگری فرمودند: "قرآن مهجور و احکام قرآن مهجور است. به این که در مأذنه‌ها اذان بگویند و نماز بجا آورند، قرآن از مهجوریت بیرون نمی‌رود. البته قرائت قرآن و حاضر بودن قرآن در تمام شؤون زندگی انسان از امور لازم است. لکن کافی نیست. قرآن باید در تمام شؤون زندگی ما حاضر باشد... [۸]."

نکته مهمی که به عنوان یکی از محوری‌ترین ارکان بازگشت به قرآن در بیانات امام به چشم می‌خورد، این است از نظر حضرت امام، بازگشت به قرآن، یعنی بازگشت به اسلام راستین و حقیقی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منادی آن بود. این چنین دیدگاهی درباره قرآن، نه تنها به هیچ روی نمی‌تواند از سنت جدا باشد؛ بلکه در واقع، عین پیروی از سنت نیز هست. این حقیقتی است که با نگاهی گذرا به مقدمه وصیت نامه ایشان به خوبی قابل درک و دریافت است؛ علاوه بر این در موارد متعدد دیگری هم

بدان تصریح فرمودند. مثلاً در کتاب "ولایت فقیه" در این باره می‌نویسند: "قرآن مجید و سنت، شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. در کافی فصلی است به عنوان «تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است» و کتاب یعنی قرآن، «تبیان کل شی» است. روشنگر همه چیز و همه امور است. امام سوگند یاد می‌کند (طبق روایات) که تمام آنچه ملت احتیاج دارد، در کتاب و سنت است و در این شکی نیست." [۹] و در جایی دیگر می‌فرمایند: "انبیا هم، همه چیزهایی که مربوط به روح و مربوط به مقامات عقلیه و مربوط به مراکز فیضیه است، برای ما بیان کرده‌اند و قرآن هم بیان کرده است و اهلش می‌دانند. هم آن چیزهایی که وظایف شخصیه است و دخیل در ترقیات انسان و تکامل انسان است در سنت و در کتاب بیان شده است و هم آن چیزهایی که مربوط به امور سیاسی اجتماعی است، بیان فرموده است [۱۰]."

همچنین در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب، در جمع نمایندگان شیعیان لبنان در این باره اظهار داشتند: "در قرآن همه چیز هست، لکن مع الاسف ما از آن استفاده نکرده‌ایم و مسلمین مهجورش کردند؛ یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند نکردند. باید مردم را به قرآن توجه داد [۱۱]."

در موردی دیگر، تقریباً در همان ایام، فرمودند: "از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله منقول است که اسلام در ابتدا مظلوم بود و بعد هم مظلوم خواهد بود."

در قرآن شریف هم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به خدای تبارک و تعالی شکایت کرده است که «ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً» [فرقان، ۳۰].

مهجوریت و مظلومیت قرآن و اسلام در این است که معارف آن مورد توجه نباشد و به احکام آن عمل نشود؛ لذا باید گفت در این زمان نیز اسلام و قرآن مهجور و مظلومند [۱۲].

از جمله احکام قرآن که به عقیده حضرت امام، همانند خود قرآن مهجور مانده است و ایشان اصرار داشتند که آن را به حقیقت اصلی و اولی خود برگردانند، احکام عبادی-سیاسی حج ابراهیمی است. چون به اعتقاد امام، حج مظهر کامل احکام فردی

و عبادی قرآن و نمونه‌های اعلای مقررات عبادی و سیاسی آن است. دشمنان اسلام و قرآن پیوسته سعی داشتند که این حکم و فرمان الهی را از محتوا تهی سازند و پوسته‌ای به ظاهر اسلامی به جامعهٔ مسلمان عرضه کنند. از این رو، گویا که امام تجلی عینی و عملی همهٔ معانی و مضامین قرآن را در چهرهٔ تابناک حج مجسم می‌بینند و در مقایسهٔ آن با قرآن می‌فرمایند: "حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند؛ ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد، و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب‌های خود ساختهٔ ما پنهان شده است و این گنجینهٔ اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکری‌های مادی و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی، و فلسفهٔ زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر، تنزل کرده است؛ حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است" [۱۳].

همان گونه که مشاهده می‌شود، حضرت امام از یک سو، با غم و اندوه فراوان از مهجوریت قرآن سخن می‌گوید و از سوی دیگر مسلمانان را بیدار باش می‌دهد که از خواب غفلت چند صد ساله برخیزند و قرآن را با تمام ابعادش هادی و راهنمای خویش قرار دهند و از جهت سوم بر این نکته اصرار می‌ورزد که مراد از توجه به قرآن، توجه به تمامیت اسلام و سنت پیامبر ﷺ است که قرآن جامع و حاکی آن است.

نکتهٔ آخری که در خور طرح است، این است که مهجوریت از دیدگاه امام دارای مراتب و درجات است و محروم ماندن از معارف عمیق قرآن به واسطهٔ حجاب‌های غلیظ شیطانی از همه تأسف بارتر است.

ایشان در کتاب "آداب الصلوة" در این باره می‌فرمایند: "مهجور گذاردن قرآن مراتب بسیار و منازل بی‌شمار دارد که به عمدهٔ آن شاید ما متصف باشیم. آیا اگر ما این

صحیفه الهیه را مثلاً جلدی پاکیزه و قیمتی نمودیم و در وقت قرائت یا استخاره بوسیدیم و به دیده نهادیم آن را مهجور نگذاشتیم؟ آیا اگر غالب عمر خود را صرف در تجوید و جهات لغویّه و بیاتیه و بدیعیّه آن کردیم این کتاب شریف را از مهجوریت بیرون آوردیم؟ آیا اگر قرائات مختلفه و امثال آن را فرا گرفتیم، از ننگ هجران از قرآن خلاصی پیدا کردیم؟ آیا اگر وجوه اعجاز قرآن و فنون محسنات آن را تعلم کردیم از شکایت رسول خدا ﷺ مستخلص شدیم؟ هیئات که هیچ یک از این امور مورد نظر قرآن و مُنزل عظیم الشان آن نیست. قرآن کتاب الهی است و در آن شئون الهیت است. قرآن حبل متصل ما بین خالق و خلق است و به وسیله تعلیمات آن باید رابطه معنویه و ارتباط غیبی بین بندگان خدا و مربی آنها پیدا شود. از قرآن باید علوم الهیه و معارف لدنیّه حاصل شود. رسول خدا ﷺ به حسب روایت کافی شریف فرمود: انما العلم ثلاثة: آیه محکمه و فریضة عادله و سنة قائمه. قرآن شریف حامل این علوم است. اگر ما از قرآن این علوم را فرا گرفتیم آن را مهجور نگذاشتیم. اگر دعوت های قرآن را پذیرفتیم و از قصه های انبیا علیهم السلام که مشحون از مواعظ و معارف و حکم است، تعلیمات گرفتیم، اگر ما از مواعظ خدای تعالی و مواعظ انبیا و حکما که در قرآن مذکور است موعظت گرفتیم قرآن را مهجور نگذاشتیم و الا غور در صورت ظاهر قرآن نیز اِخْلَادِ الی الارض است و از وساوس شیطان است که باید به خداوند از آن پناه برد [۱۴].

اکنون بی مناسبت نیست که بخش هایی از سخنان یکی از برجسته ترین شاگردان مکتب امام، یعنی استاد شهید مطهری را در این زمینه نقل کنیم که با تأسی از استاد فرزانه خویش، با دلی پر درد، از مهجور ماندن قرآن سخن می گوید و همگان را به بازگشت به قرآن فرا می خواند.

ایشان در ضمن یک سخنرانی که در سال ۴۱ شمسی تحت عنوان "رهبری نسل جوان" ایراد شد در این باره می فرمایند: "ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست؟ البته جای تأسف است. اما باید از خودمان بپرسیم آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن که در مدارس است، توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل



داشته باشد؟ عجیباً که خود نسل قدیم قرآن را متروک و مهجور کرده، آن وقت از نسل جدید گله دارد که چرا با قرآن آشنا نیست. قرآن در میان خود ما مهجور است. اگر کسی علمش قرآن باشد و تفسیر قرآن را کاملاً بداند، در میان ما چندان احترامی ندارد. اما اگر کسی «کفایه» آخوند ملا کاظم خراسانی را بداند، یک شخص محترم و با شخصیتی شمرده می‌شود. عجیب است که اگر کسی عمر خود را صرف قرآن بکند، به هزار سختی و مشکل دچار می‌شود؛ از نان، زندگی، شخصیت، احترام و از همه چیز محروم می‌شود؛ اما اگر عمر خود را صرف کتابهایی از قبیل کفایه بکند، صاحب همه چیز می‌شود. در نتیجه هزارها نفر پیدا می‌شوند که کفایه را چهار لا بلدند، یعنی خودش را می‌دانند، ردّ کفایه را هم می‌دانند، ردّ آن را هم می‌دانند، ردّ آن را هم می‌دانند؛ اما چندان کسانی که قرآن را به درستی بدانند، پیدا نمی‌شوند. از هر کسی درباره آیه‌ای قرآن سؤال شود می‌گوید: باید به تفاسیر مراجعه کرد. در رهبری نسل جوان، بیش از هر چیز دو کار باید انجام شود: یکی باید درد این نسل را شناخت و آن‌گاه در فکر درمان و چاره شد. زیرا بدون شناختن آن هر گونه اقدامی بی‌مورد است. دیگر این که نسل کهن باید اول خود را اصلاح کند. نسل کهن از بزرگ‌ترین گناه خود باید توبه کند و آن مهجور قرار دادن قرآن است<sup>(۱)</sup> [۱۵].

## ۲.۲. تلاش‌های تبلیغی دشمنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام که قرآن ناطق و تجلی معارف و فضائل این کتاب جاودانه الهی است و از دوستان جاهل و نادان و دشمنان عالم و دانا رنجها دیده، و دردها در سینه داشته است، در زمینه دیدگاه این دو طایفه درباره خود می‌فرماید: قَسم ظهري رجلان: عالم متهتك أو جاهل متسك [۱۶].

اگر فضای حاکم بر جامعه اسلامی آن روزگار، به گونه‌ای زهرآلود و مسموم بوده

۱. چنانکه اشاره شد، این سخنرانی مربوط به سال ۴۱ و حال و هوای آن دوران است؛ اما اکنون به یمن استقرار نظام اسلامی، تلاشهای چشمگیر و گسترده‌ای در زمینه علوم و معارف قرآن در حال انجام است که شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ این مرز و بوم نتوان نظیری برای آن سراغ گرفت.

است که قرآن ناطق و مجسمه عینی حقایق قرآن را وادار ساخته تا به "زبان قال" چنین بفرماید که دو طایفه، یعنی دوست نادان و دشمن دانا پشت مرا شکستند؛ بدون کمترین تردیدی باید منتظر شنیدن همین بانگ و فریاد از قرآن صامت و کتاب جاودانه الهی بوده که به "زبان حال" بفرماید: دوستان ناآگاه و دشمنان آگاه در حق من جفا کردند و شؤون الهی مرا نادیده گرفتند و آن گونه که شایسته بود مرا در جایگاه واقعی خود قرار ندادند. البته گله از دشمن دانا نیست. او اقتضای طبیعتش عناد و دشمنی است؛ بلکه شکایت از دوست نادان است که آن همه سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در حق قرآن فراموش کرد و آن چنان که سزاوار بود شأن قرآن را حفظ نکرد.

شاید امام خمینی نظر به این حدیث شریف داشته است؛ آنجا که می‌گوید: «هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق بپاخیزید و قرآن را از شر جاهلان متنسک و عالمان مهتک که از روی علم و عهد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید» [۱۷].

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ که اقشار مختلف مردم یا نمایندگان آنان برای دیدار حضرت امام می‌آمدند، علاوه بر مردم ایران، از دیگر ممالک اسلامی نیز نمایندگانی برای ملاقات با امام می‌آمدند، لحن کلام امام در مواجهه با مخاطبان مختلف به نحو محسوسی تفاوت داشت. معمولاً وقتی امام با مهمانانی از دیگر بلاد اسلامی مواجه بودند، سعی می‌کردند مشکلات جهان اسلام و توطئه دشمنان قرآن را برای نابودی اساس اسلام و قرآن مطرح نمایند. تا از این رهگذر به بیداری ملت‌های مسلمان و دعوت آنان به پایبندی به قوانین و مقررات قرآن کمک نمایند؛ زیرا معتقد بودند "در یک همچو زمانی که سیاست‌های ابر قدرت‌ها، بلعیدن همه جاست، مسلمین باید بیدار شوند." [۱۸] و چون به تعبیر خودشان از بیداری دولت‌ها و حکومت‌ها مأیوس شده بودند، تلاش می‌کردند که به هر وسیله ممکن و در هر فرصت پیش آمده دعوت "بازگشت به قرآن" را به گوش همه ملت‌ها برسانند. "مسلمین باید بیدار بشوند، ملت‌ها، دولت‌ها را من از اکثرشان مأیوس هستم، لکن ملت‌ها باید بیدار بشوند و همه تحت لوای اسلام و تحت سیطره قرآن باشند" [۱۹]؛

بر این اساس، در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی، در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان مطالبی ایراد فرموده، از جمله چنین اظهار داشتند: "یکی از کارهای بزرگی که شده است و گمانم این است که آنها را آن شیاطین کرده‌اند، این است که قرآن و اسلام را آن طوری که هست نگذاشتند ما مسلمانان بفهمیم، این تبلیغات حتی در عمق حوزه‌های دینی نجف و قم نفوذ کرده است. برای این که یکی از خطرهایی که برای خودشان می‌دیدند، همین بود که اگر اسلام را آن جوری که هست بفهمند، همه به آن رو می‌آورند و برای آنها دیگر مقام باقی نمی‌ماند." [۲۰]

به اعتقاد ایشان، این توطئه شیاطین نه تنها اتفاقی و تصادفی نبود؛ بلکه صد در صد آگاهانه و با مطالعه قبلی و همراه با طرح و برنامه از پیش تعیین شده بود. به باور حضرت امام "دستهای خیانتکار اجانب که می‌خواستند شرق و خصوصاً بلاد اسلامی را برای منافع خودشان قبضه کنند، با مطالعاتی که در این بلاد کرده بودند و تمام بلاد را اعم از بیابانهایش، قصبه‌اش و شهرستانهایش را و جب به و جب مطالعه کرده‌اند، نیز روحیه گروه‌هایی که در این بلاد زندگی می‌کردند و آیین‌هایی که این‌ها داشتند و کیفیت نفوذ آیین‌ها در این‌ها مطالعه کردند، به آنجا رسیده‌اند که نباید بگذارند مسلمین به قرآن تمسک جویند؛ چون آنها قرآن را سد راه می‌دانستند. اگر همه مسلمین به قرآن تمسک می‌جستند، برای آنها مجال سلطه باقی نمی‌ماند؛ لذا قرآن و اسلام را از مردم جدا کردند" [۲۱].

همچنین درباره نحوه تبلیغات بر ضد اسلام فرمودند: "آنان می‌خواهند ملت اسلام را از قرآن و اسلام جدا کنند. یکی از تعبیراتشان این است که «اسلام افیون جامعه است». آنان متن قرآن را مطالعه کرده‌اند و فهمیده‌اند که قرآن یک کتابی است که اگر مسلمان‌ها به آن پیوند بخورند، آنانی را که قصد سلطه برای مسلمین را دارند، کنار خواهند زد. قرآن می‌گوید: هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مُسَلِّم بر مسلم قرار نداده است؛ هرگز نباید راه پیدا کند: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» [نساء، ۱۴۱]، [۲۲].

همچنین ایشان پیوسته در پی ترویج این اندیشه صحیح و صواب بوده‌اند که "در

پناه قرآن بود که اسلام در نیم قرن بر همه امپراتوری‌ها در آن وقت غلبه کرد و ما، مادامی که در پناه قرآن هستیم بر دشمنان غلبه خواهیم کرد و اگر خدای نخواسته دشمنان اسلام ما را از اسلام و قرآن جدا کردند، باید در ذلت، خفت و بندگی زندگی کنیم. استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم ﷺ است" [۲۳].

به اعتقاد امام، تنها راه نجات و رهایی از فتنه دشمنان، روی آوردن به قرآن، و پناه جستن در حصن حصین اسلام و رکن رکن ایمان است و بس. ایشان بر این باور صحیح به درستی پای می‌فشرند که یگانه عامل موفقیت انقلاب ملت مسلمان ایران، گرایش به قرآن و بازگشت به احکام الهی این آخرین کتاب آسمانی است و شرط دوام پیروزی را هم عمل به قوانین قرآن و پیاده کردن حقایق نورانی آن می‌دانستند.

حضرت امام (ره) در یک مورد در این باره فرمودند: "شما دیدید علیرغم آنکه جمعیت سی و پنج میلیونی که در مقابل یک میلیارد چیزی نیست و چندان ابزار جنگی پیشرفته‌ای در دست نداشتند، به واسطه قدرت ایمان و به اتکای قرآن و اسلام، بر این قدرت شیطانی که پشت سر او قدرت‌های بزرگ‌تر شیطانی بود غلبه کرد و دست آنها را از مخازن ایران قطع کرد" [۲۴] و در موردی دیگر اظهار داشتند: "رمز پیروزی، اتکای به قرآن و این شیوه مقدس شیعه که شهادت را استقبال می‌کردند، بوده است" [۲۵] و درباره علت و انگیزه این نهضت که در واقع شرط دوام پیروزی آن نیز هست، می‌فرمایند: "ما برای آن نهضت کردیم که قرآن و قوانین آن در کشور ما حکومت کند و هیچ قانونی در مقابل اسلام و قرآن عرض اندام نکند" [۲۶].

### ۳. بازگشت به قرآن

هیچ چیز برای جامعه اسلامی و جماعت مسلمانان مقدس‌تر و برانگیزاننده‌تر از قرآن نیست. از این رو باید همه کوشش‌ها و تمام جنبش‌ها یک سو و یک جهت شده، صرفاً سمت و سوی قرآنی به خود بگیرد. این آن چیزی است که مورد خواست و رضایت حضرت امام است.

امام در یکی از پیامهای خود به زائران بیت الله الحرام، به انس با قرآن و توجه به

کتاب آسمانی و انسان ساز سفارش اکید فرموده، چنین اظهار داشتند: "به زائران محترم تذکر می‌دهم که در این مواقع معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند؛ که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده، از برکات سرشار این کتاب مقدس است و از همین فرصت از تمام علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که «تبیان کل شیئی» است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است غفلت نوزند... و اکنون [که] صورت کتبی آن که به لسان وحی، بعد از نزول از مراحل و مراتب بی‌کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواستہ مبادا که مهجور شود... و هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بُعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس، دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن، وقت صرف نمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است. از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست... و شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را به شؤونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مد نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید [۲۷].

از دیدگاه امام بازگشت به قرآن نفی سلطه بیگانه را به دنبال دارد؛ چنانکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۶۰ اظهار داشتند: "تا ملتهای اسلام و مستضعفان جهان بر ضد مستکبران جهانی و بچه‌های آنان خصوصاً اسرائیل غاصب قیام نکنند، دست جنایتکاران آنان از کشورهای اسلامی کوتاه نخواهد شد... چاره برای دفع این ستمکاران، پناه به اسلام و گرایش متعهدانه به قرآن کریم و در زیر پرچم توحید با وحدت و انسجام به پاخاستن است" [۲۸].

این دعوتی است که امام از آغاز برپائی نهضت از سال ۴۲ به بعد پیوسته از آن سخن می‌گفتند. مثلاً در سخنرانی‌ای که به مناسبت تصویب لایحه کتابتولاسیون ایراد فرمودند، از جمله چنین اظهار داشتند: "آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش

به جای سوگند به قرآن مجید، «سوگند به کتاب آسمانی که به آن اعتقاد دارم» یاد کردند؟ من نمی‌دانم دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است، که این قدر با فشار برای محو اسم آن می‌کند؟ اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد و مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود [۲۹].

سخن را با دعایی از ایشان به پایان می‌بریم. «ای قرآن، ای تحفه آسمانی، وای هدیه رحمانی! تو را خدای جهان برای زنده کردن دل‌های ما و باز کردن گوش و چشم توده فرستاده. تو نور هدایت و راهنمای سعادت ما هستی. تو ما را از منزل حیوانی می‌خواهی به اوج انسانی و جوار رحمانی برسانی. فسوسا که آدمی زادگان قدر تو را ندانسته و پیروی از تو را فرض خود نشمردند. آسفا که قانون‌های تو در جهان عملی نشد تا همین ظلمت‌خانه و جایگاه مشتی و حشیان و درندگان که خود را متمدنین جهان می‌دانند رشک بهشت برین شود و عروس سعادت در همین جهان در آغوش همه در آید» [۳۰].



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 زبان و علوم انسانی

## منابع

۱. تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۰-۹.
۲. وصیت نامه سیاسی- الهی امام خمینی، ص ۲.
۳. مطهری، مرتضی؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۲۲-۲۱.
۴. خمینی (امام)؛ صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۳.
۵. همان، ج ۱، ص ۱۸۶.
۶. همان، ص ۸۸ با تصرف و تلخیص.
۷. همو؛ وصیت نامه سیاسی- الهی، ص ۲-۱.
۸. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۹ با تصرف و تلخیص.
۹. همو؛ ولایت فقیه، ص ۲۱.

۱۰. همو؛ صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۵۷ با تلخیص.
۱۱. همان، ج ۶، ص ۲۱۹ با تصرف.
۱۲. همان، ج ۱۶، ص ۳۹-۳۶ با تصرف و تلخیص.
۱۳. همان، ج ۲۰، ص ۲۲۹.
۱۴. همو؛ آداب الصلوة، ص ۲۱۹-۲۱۸ با تصرف و تلخیص.
۱۵. مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، ص ۲۲۲-۲۱۹.
۱۶. بنایبغ الموده، ج ۲، ص ۴۱۵ و فیض القدير، ج ۶، ص ۳۷۸.
۱۷. خمینی (امام)، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰.
۱۸. خمینی (امام)؛ صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۱۸.
۱۹. همان، ج ۶، ص ۲۱۸.
۲۰. همان، ص ۲۰۵ با تلخیص.
۲۱. همان، ج ۵، ص ۱۷۲ با تصرف.
۲۲. همان، ج ۳، ص ۴-۳ با تلخیص و تصرف.
۲۳. همان، ج ۶، ص ۱۱۳ با تلخیص.
۲۴. همان، ص ۸۱ با تصرف.
۲۵. همان، ص ۱۷.
۲۶. همان، ج ۸، ص ۱۷۱ با تلخیص و تصرف.
۲۷. همان.
۲۸. همان، ج ۹، ص ۲۴۶.
۲۹. همان، ج ۱، ص ۱۱۰ با تلخیص.
۳۰. همو؛ کشف الاسرار، ص ۲۲۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی